مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمد ایاز نوری ۲۰۲۵/۰۹/۱۴

درج کلمه استقلال توسط سیاستمداران دانشمند افغان

اینکه روز ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ش روز حصول استقلال سیاسی کشور عزیز و تاریخی ما از سلطه استعمار انگلیس است و یا نه، مربوط به قضاوت و بینیش سیاسی هر افغان و هر سیاست دان جهان ما می شود. البته در جهت تخریب یا کم اهمیت نشان دادن روز ۲۸ اسد، نباید فعالیت شبکه های استخباراتی و گماشتگان افغانی و خارجی را چه دیروز و چه امروز از نظر دور انداخت. خود کلمه استقلال مترادف مستقل است، که به تعقیب ما در زمینه کلمات آزادي، حریت، خود مختاری و در لسان پشتو ما «
خپلواکي» را در بر می گیرد. آنچه ذهن و فکر این قلم را چه قبل از حصول آزادي سیاسی و چه پس از حصول آن پیرامون روز تاریخی ۲۸ اسد ۱۲۹۸ش مطابق ۱۸ اگست ۱۹۱۹م مشغول میسازد، استعمال یا درج کلمه «استقلال» در اسناد مختلف داخلی و خارجی تاریخ کشور ما افغانستان است، که توسط خبیر ترین شخصیت های آن عصر درج کتب و یاداشت های مورخین شده است. من راجع به روز استقلال امانی ۲۸ اسد که ثمره مبارزات دشوار ای طولانی و قربانی های بزرگ جانی و مالی ملت افغان و رهبران آزاد منش کشور تاریخی ما در جنبش مشروطیت اول (موسس آن شخصیت عزیز القدر مولوی محمد سرور خان واصف) و دوم است به کتاب مورخ شهیر علامه عبدالحی حبیبی (جنبش مشروطیت در افغانستان) مراجعه کردم. در صفحه ۸۷ فصل ۶ تحت عنوان («مشروطیت و جمعیت مشروطه خواهان» چنین آمده است:

الف) مرامهای جمعیت اول مشروطه خواهان

(جمعیت مشروطه خواهان افغانستان یا جان نثاران ملت ظاهراً مرامنامه خاص و مکتوبی نداشت و یا به ما نرسیده است. وقتی یک عضو جدید را داخل جمعیت می ساختند، قابل اعتماد بودن او را در یک حلقه فرعی با اهلیت او در نظر می گرفتند و بعد ازان او را در همان حلقه کوچک به قرآن عظیم و شمشیر سوگند میدادند و او مرامهای عمده ذیل را می پذیرفت). در ماده نمبر (۸) این مرامنامه چنین درج است که عیناً نقل میکنم:

»تحصیل استقلال سیاسی و آزادی افغانستان و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با دنیای خارج (که در آن وقت امیر افغانستان مکف بود غیر از دولت هند برتانوی با دیگر دولتی، رابطه سیاسی نداشته باشد .«(

سوال اینجاست که اگر کشور ما در زمان امیر حبیب الله خان سراج، تحت الحمایه انگلیس نبود و در سیاست خارجی اختیار داشت، پس این رهبران جنبش مشروطیت مگر دیوانه یا آنقدر نادان بودند که ماده (۸) را با چنین عبارت و استعمال کلمه (تحصیل استقلال سیاسی) درج مرام جنبش سیاسی خویش میکردند...!؟.

علامه حبیبی در صفحات ۱۱۲-۱۱۴ کتاب خویش چنین نوشته است:

(حرکت ملی و میمون مشروطیت اول، با زور آزمایی و خونریزی و استبداد امیر [حبیب الله خان سراج] و درباریانش که می گفتند «دیگر هر چیز را از اصول جدید قبول داریم، الا مشروطه» ظاهراً از بین رفت، ولی بعداً در قلوب اولاد ملت اندر خفا ریشه دوانید و مشروطیت دوم را به وجود آورد، که استقلال افغانستان و طرز نوین اداره و تحول افکار را در دوره امانی ثمر داد).

درین جا هم میبینیم که مرحوم حبیبی که شخصیت عادی کشور ما نبوده، بلکه یک سیاستمدار مبارز، شاهد وقایع بسا مهم تاریخی، مورخ، محقق و لایق مقام وزیر و رهبری کشور بوده، هم ذکر ازحصول استقلال افغانستان نموده است. علامه حبیبی در فصل ۴ تحت عنوان «نتایج مساعی مشروطیت دوم» در صفحه ۱۷۳ کتاب ارزشمند خویش چنین درج نموده اند:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ

(به هر صورت ما نمیتوانیم از کار های نیکویی که بدست این گروه مخلص و خیر خواء انجام یافته، به اعتبار سو، عاقبت آن رژیم و ناکامی بعدی آن چشم بپوشیم، زیرا فصلی مهم تاریخ اجتماعی افغانستان است که در تشکیلات مدنی افغانستان آزاد چنین سهم گرفتند:
اول- در بازستانی استقلال افغانستان پیشقدم و در جنگ استقلال راهنمایی نمودن و ضد استعمار بودن،
دوم- بعد از تحصیل استقلال، افغانستان را به حیث یک مملکت آزاد و مستقل به دنیا معرفی نمودن و ارتباطهای سیاسی را با ممالک دنیا قایم نمودن)،
مورخ و محقق، سیاستمدار و مبارز گرامی دیگر افغان ما میر غلام محمد غبار در کتاب مهم و ارزشمند ایشان (افغانستان در مسیر تاریخ، صفحه ۷۱۷) تحت عنوان حزب «جمعیت سری ملی» چنین ثبت نموده:
(مکتب حبیبه در ۱۹۰۳ تاسیس گردید و تا سال ۱۹۰۹ مرکز فعالیت های سیاسی شده رفت و بلاخره معلمین و کارمندان مدرسه با عده يي از روشنفکران خارج مدرسه و هم عده يي از روشنفکران دربار در تماس آمده و به اتفاق هم به تشکیل یک حزب سری سیاسی بنام «جمعیت سری ملی» پرداختند. مرام این جمعیت تبدیل حکومت مطلق العنان بیک حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود.) یعنی اگر ما در زمان اقتدار امیر حبیب الله خان استقلال خارجه داشتیم، پس دانشمندان گرد آمده در حزب سیاسی جمعیت برای چه مسله حصول استقلال کشور را از برتانیه خواستار بودند...؟!.
بنابرین درین کلام ها و یاداشتهای تاریخی این دو مورخ نامدار مرحومین حبیبی و غبار ذکر از حصول استقلال را می بینیم، ثبوتی منطقی و تاریخی که ما در زمان امیر حبیب الله خان (سراج) استقلال یا اختیار خارجی امور مملکت خویش را نداشتیم و با جلوس شهزاده امان الله خان به مقام پادشاهی افغانستان (حوت ۱۲۹۷ش) و اعلان جنگ علیه استعمار برتانیه و حصول استقلال و توشیح فرمان آزادی توسط شاه استقلال بخش امان الله ای غازی در قصر زرنگار کابل در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ش، ملت افغان صاحب یک افغانستان کاملاً مستقل شد. جالب این است که خود مقامات رسمی آن زمان دولت یا امپراتوری برتانیه کبیر به حصول استقلال کشور ما بعد از جنگ سوم در ۸ اگست ۱۹۱۹م اعتراف کردند و سند تحریری در زمینه به دولت افغانستان تحویل دادند، لاکن هستند افغان هاییکه، منکر چنین سند هستند، رجوع شود برای مزید به مقاله ۸۹ ازین قلم در آرشیف افغان-جرمن

روح های تمام مبارزین بر حق سه جنگ افغان - انگلیس را خشنود می خواهم، یاد همه ایشان گرامی و مستدام باد

پای

مطالب نشر شده از **محمد ایاز نوری** در پورتال افغان جرمن آنلاین

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ